



کاربرگ بیانات خوانی از بیانات در

دیدار اقشار مردم به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

تاریخ: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

نکات مهم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقیة الله فی الارضین.

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی برادران عزیز و خواهران عزیز که امروز این حسینیّه را با نفس گرم خودشان، با حضور خودشان، مبارک و منور کردند. یک جمله در باب دوازدهم بهمن عرض میکنم که روز مهمی است؛ یک جمله هم در باب این فتنه‌ی یکی دو هفته پیش عرض میکنم — توضیحی برای اینکه این چه پدیده‌ای بود، چه اتفاقی بود که افتاد — یک جمله‌ی کوتاهی هم درباره‌ی آمریکا عرض خواهم کرد. اینها مطالبی است که من یادداشت کرده‌ام که به برادران عزیز و خواهران عزیز عرض کنم.

سؤالات و ابهامات

اما در مورد دوازدهم بهمن. دوازدهم بهمن حَقّاً یک روز استثنائی است. در دوران سال، روزهایی هست که شما میدانید واقعه‌ای در این روز اتفاق افتاده، روز مهمی است، روز بزرگی است؛ این روزها در تاریخ ثبت میشود به عنوان یک حادثه، به عنوان یک قضیه‌ی مهم؛ لکن بعضی از روزها هستند که انسان اینها را فراتر از برجستگی و فراتر از تاریخی بودن مشاهده میکند؛ اینها روزهای تاریخ‌سازند؛ واقعه‌ای که در آن [روز] اتفاق افتاده، در واقع مسیر حرکت تاریخ را جابه‌جا کرده و تغییر داده؛ روز دوازدهم بهمن از این قبیل است.

امام در دل تهدیدها به تهران آمد؛ در دل تهدیدها! شما جوانها آن روزها را ندیده‌اید. تهدید آمریکا بود، تهدید رژیم بود، تهدید تروریست‌ها بود؛ بعدها معلوم شد که اینها چه برنامه‌هایی داشتند برای آمدن امام. در دل این تهدیدها، امام با جرئت و با قدرت به تهران آمد؛ وارد تهران شد و ملت، یکپارچه مقدم امام را گرمی داشتند. آن استقبالی که در روز دوازدهم بهمن از امام شد، تا آن جایی که ما اطلاع داریم، در تاریخ و در زمان خود ما که جمعیت‌ها زیاد شده، امکانات زیاد شده، سابقه ندارد؛ این استقبال عجیب از امام [شد]!

ایده‌ها و پیشنهادات

خب یک رهبری، یک بزرگی، یک امامی وارد جامعه شد، جامعه هم او را در آغوش گرفت که یک حادثه‌ی مهمی بود؛ لکن امام نگذاشت این استقبال بی‌نظیر به صورت تشریفات باقی بماند. این جور اتفاقات، گاهی فقط تشریفات است؛ می‌آیند به یکی احترام میکنند، بعد هم متفرق میشوند میروند؛ او هم می‌رود، اینها هم میروند. امام نگذاشت که این حادثه‌ی عظیم به صورت تشریفات برگزار بشود؛ از همان ساعت اول، شروع کرد به کار.

تکالیف فردی من

اولاً اول کاری که امام کرد، اسقاط نظام [پادشاهی] را در همان روز ورود اعلام کرد. امام در بهشت زهرا، در مقابل جمعیت میلیونی سخنرانی کرد و اسقاط نظام پادشاهی را — که میگفتند چند هزار سال سابقه دارد — و تبدیل آن به یک نظام نو و جدید با خصوصیات مهم و برجسته و بزرگ را اعلام کرد. خب این نظام جدیدی که امام مژده‌ی آن را در ورود به تهران در روز دوازدهم بهمن داد، خصوصیات متعددی داشت که حالا بعضی از آنها را شاید اشاره کنم؛ لکن [طبق] آنچه امام فرمودند، دو خصوصیت اساسی و پایه‌ای، دو خصوصیت مهم در این نظام وجود دارد:

یکی اینکه حکومت فردی و استبدادی را تبدیل میکند به حکومت مردمی؛ که این خیلی مهم است. مردم در کشور هیچ‌کاره بودند؛ حتی وزرا و دولت‌ها و مانند اینها هم هیچ‌کاره بودند؛ همه‌کار، همه‌چیز در یک مجموعه، در یک دربار پخت‌وپز میشد و اجرا میشد. این [حکومت] تبدیل شد به حکومت مردمی؛ یعنی مردم اعلام نظر کنند، انتخاب کنند، اختیار کنند.

تکالیف تشکیلاتی من

خصوصیت دوم، تبدیل فرآیند ضدّ دینی حاکم بر کشور، به فرآیند اسلامی و دینی [بود]. اگر کسی خاطرات رجال دوران پهلوی را — که بعدها یا در همان زمان نوشتند — بخواند، ببیند، میفهمد که اینها داشتند ایران را به سمت یک مجموعه‌ی کاملاً ضدّ دین حرکت میدادند؛ حرکتی میدادند که در آن هیچ نشانه‌ای از اسلام و از دین و از قرآن نباشد؛ کشور بتدریج به این سمت حرکت [میکرد].

امام مسیر را ۱۸۰ درجه عوض کرد — البته کشور را یک‌باره نمیشود صد درصد منطبق با دین کرد — حرکت، حرکتی دینی شد و تدریجاً به سمت دین [حرکت کرد]. اگر ماها — ما مسئولین — درست

نکات مهم

به آن وظایف عمل می‌کردیم، تا حالا آن اتفاق افتاده بود؛ یعنی واقعاً کشور دینی شده بود. واقعاً ماها — بعضی از دولتها، بعضی از مسئولین، بعضی از کسانی که میتوانستند کاری بکنند — کوتاهی کردیم؛ کارهایی باید می‌کردیم، نکردیم؛ کارهایی نباید می‌کردیم، کردیم؛ ولی باز در عین حال، حرکت، همان حرکتی بود که امام پایه‌گذاری کرد؛ یعنی ما در این فرآیند دینی و اسلامی پیشرفت کردیم.

[البته] یک خصوصیت دیگری که این حاکمیت نوین داشت و در بیانات امام ذکر میشد، و در بین این خصوصیات که امام ذکر میکردند خیلی مهم بود و استکبار را دستپاچه میکرد، عبارت بود از بریدن دست آمریکا از ایران. امام در بیانات خودش از اول، قطع نفوذ و دخالت آمریکا در ایران را اعلام کردند که حالا من بعداً در پایان صحبت، در این زمینه چند جمله‌ای عرض خواهم کرد. این هم یک خصوصیت که این، همان خصوصیتی بود که آمریکایی‌ها را دستپاچه کرد. آنچه آنها را از ساعت اول بیش از همه دستپاچه کرد، ناراحت کرد، به تلاش وادار کرد، به دشمنی وادار کرد این بود که [اعلام شد] نفوذ و دخالت در کشور ما ممنوع؛ کشور مال ملت ایران است، خودشان و منتخبینشان باید تصمیم بگیرند.

سوالات و ابهامات

در مورد مردمی بودن انقلاب و مردمی بودن حکومت — که گفتیم این خصوصیت [نظام اسلامی] بود — کاری که امام کرد، [این بود که] مردم راه، ملت ایران را با توانایی‌های خودش، با ارزشهای خودش آشنا کرد. امام بیان مؤثری داشت؛ سخن امام در دلها می‌نشست. امام ملت ایران را به طور کامل متوجه کرد که چه توانایی‌های بزرگی دارند. این کلمه‌ی «ما میتوانیم» خیلی مهم است. ماها که قبل از انقلاب زندگی کردیم، حتی ماها که اهل مبارزه بودیم، واقعاً همه معتقد بودیم ایرانی‌ها کاری نمیتوانند بکنند! «نمیتوانیم» بر همه‌ی افکار مردم حاکم بود؛ امام آمد این را زیرورو کرد، اعلام کرد «میتوانیم». او را با ارزشهای خودش آشنا کرد، او را با توانایی‌های خودش آشنا کرد. ملت ما در دوران پهلوی‌ها و قاجاری‌ها به یک ملت تحقیرشده تبدیل شده بود. ملت ایران با آن سوابق، با آن تمدن، با آن علم، با آن دانشمندان، با آن کتابخانه‌های عظیم و بزرگ، از اوایل قاجار تا تمام دوران پهلوی تبدیل شد به یک ملت تحقیرشده، به یک ملت عقب‌افتاده؛ در علم عقب‌افتاده بودیم، در فناوری عقب‌افتاده بودیم، در سیاست عقب‌افتاده بودیم؛ ایران هیچ تأثیری در سیاستهای منطقه‌ای نداشت، سیاستهای جهانی که به جای خود!

ایده‌ها و پیشنهادات

من یک وقت اینجا یک ماجرای را نقل کردم (۱) که بعد از جنگ جهانی [اول]، از کشورهای دنیا دعوت کردند که ببینند در کنفرانس پاریس راجع به مسائل بین‌المللی تصمیم‌گیری کنند؛ از ایران یک هیئت بزرگی بلند شدند رفتند پاریس که در آن کنفرانس شرکت کنند؛ راهشان ندادند! هیئت ایرانی رفت پشت در منتظر [ماند]، روزهای متعدّد گذشت، اجازه ندادند که وارد این جلسه بشوند. ایران باعظمت راه، ایران متمدن راه، ایرانی که یک روزی منشأ علم و فلسفه و همه‌چیز در دنیا بوده و همه از او استفاده میکردند، به اینجا رسانده بودند؛ این جور تحقیرشده، این جور کوچک! در علم، در فناوری، در سیاست، در سبک زندگی، در اعتبار بین‌المللی، در تصمیم‌های منطقه‌ای، در همه‌ی اینها ملت ایران در دوران پهلوی و دوران قاجار عقب‌افتاده و تحقیرشده بود؛ نه یک اختراعی، نه یک کار مهمی، نه یک حرکت برجسته‌ای.

تکالیف فردی من

«امام» ملت را نسبت به این عقب‌افتادگی حسّاس کرد تا ملت احساس کند که «چرا باید ما عقب‌افتاده باشیم؟ چرا باید ما خودمان تولید نکنیم، خودمان نسازیم، خودمان ارائه ندهیم، خودمان در دنیا حرف نداشته باشیم؟ چرا؟». امام حسّاس کرد ملت را؛ حسّ توانایی را در ملت ایران زنده کرد؛ امام بزرگوار اعتماد به نفس را در ملت دمید؛ ملت ایران اعتماد به نفس دارد. الان شما دیگر مثلاً در قبال فلان ملت اروپایی، حتی ملت آمریکا احساس ضعف نمیکنید، احساس کوچک‌تر بودن نمیکنید. میگویید میتوانیم، میکنیم؛ و کرده‌اید! در این چهل و چند سال، کارهای بزرگی در این کشور انجام گرفته که قبلاً حتی فکرش را هم نمیشد کرد اما انجام گرفت. همین الان هم همین جور است. البته پنهان میکنند؛ ما هم تبلیغاتمان ضعیف است. الان هزاران شرکت مربوط به این جوانها هست که مشغول کار شده‌اند و خودشان دارند کار میکنند؛ دستگاه‌های مهم، کارهای بزرگ. این دانشجویانی را که بعضی از دستگاه‌ها برداشتند بردند و بعضی از این کارهای صنعتی را در گوشه و کنار کشور — نه فقط در تهران — نشانشان دادند، تعجب کردند، باورشون نمی‌آمد! چه کسی باور میکرد که یک روزی برسد که ایران یک سلاحی درست کند که آمریکا از روی آن تقلید کند؟ (۲) به عقل کسی میرسید؟ اما این شد، این اتفاق افتاد. امام این روح اعتماد به نفس را در مردم دمید، روحیه‌ی امید راه، روحیه‌ی بلندپروازی را در آنها دمید.

تکالیف تشکیلاتی من

نکات مهم

خود امام هم مظهر این امید بود؛ مظهر این امید بود. اصلاً هیچ مشکلی در مقابلش وجود نداشت. [میگفت:] «خَرْمشهر باید فتح شود! حالا ما آنجا بودیم، خَرْمشهری که از اطراف در محاصره‌ی لشکرها [بود]؛ «خَرْمشهر باید آزاد شود»؛ یک کلمه! یعنی اطمینان داشت که این کار شدنی است. گفت، جوانها [هم] همت کردند، و شد. خودش مظهر این امید بود و مردم را هم به سمت این امید حرکت میداد. امروز هم اگر این وسوسه‌های شیاطین خبیث — واقعاً خبیث — [نباشد] همین جور است؛ بعضی از داخل، بعضی از خارج که مدام وسوسه میکنند که جوان ایرانی امید ندارد، آینده ندارد و مانند اینها؛ بله، به کوری چشم شما، هم امید دارد، هم آینده دارد، هم آینده را میسازد، هم پیش میرود.

بیست و دوّم بهمن را دوازدهم بهمن به وجود آورد. بیست و دوّم بهمن به آن عظمت را دوازدهم بهمن به وجود آورد. اگر دوازدهم بهمن نبود، اگر آمدن امام نبود، اگر آن استقبال عظیم مردمی نبود، بیست و دوّم بهمن اتفاق نمی‌افتاد. روز جمهوری اسلامی را که دوازدهم فروردین است، دوازدهم بهمن به وجود آورد؛ پیشرفتهای این کشور را دوازدهم بهمن به وجود آورد. روز مهمی است، تاریخ‌ساز است. روز دوازدهم بهمن که امروز باشد، حقیقتاً یک روز تاریخ‌ساز است؛ این را فراموش نکنیم. به برکت لطفی که خدای متعال به امام بزرگوار داشت، این انجام گرفت و بحمدالله تا امروز هم ادامه دارد. البته دوازدهم بهمن این برکات را داشت، دشمنی آمریکا را هم داشت. دشمنی آمریکا از همان روز دوازدهم بهمن بیشتر از پیش علنی شد، نشان داده شد و گفته شد. این هم بود که حالا [راجع به] این هم بعداً یک کلمه‌ای عرض میکنم. این، درباره‌ی دوازدهم بهمن.

اما فتنه‌ی اخیر؛ این فتنه‌ای که هجدهم و نوزدهم دی‌ماه اتفاق افتاد. اولاً تعبیر بنده این است که این فتنه، فتنه‌ی آمریکایی و صهیونی بود. قبلاً هم من در یک روز دیگری در این جلسه گفتم، (۳) این کسانی که آمده بودند اغتشاش میکردند، دو دسته بودند، دو جور آدم بودند؛ یک جور آدمهای سردسته، یک جور هم پیاده‌نظام و «هَمَجُ الزَّعَاع» (۴) آن سردسته‌ها آموزش دیده بودند؛ پول گرفته بودند، آموزش دیده بودند، بهشان یاد داده بودند چه جوری حرکت کنید، چه جوری حمله کنید، به کجا حمله کنید، چه جوری جوانها را جمع کنید، چه جوری با آنها حرف بزنید؛ همه‌ی اینها را به سردسته‌ها یاد داده بودند، آموزش داده بودند. خیلی از آن سردسته‌ها گرفتار شدند، دستگیر شدند، اعتراف کردند به این چیزها. یک عده هم جوانهای هیجانی بودند که سروصدایی بود، راه افتادند آمدند؛ درباره‌ی آنها خیلی مشکلی نداریم. فتنه، فتنه‌ی آمریکایی بود؛ نقشه، نقشه‌ی آمریکا بود. نه فقط آمریکا، بلکه صهیونی؛ رژیم صهیونی هم همراه بود. «آمریکا» که میگویم، فقط یک ادعا نیست؛ از راه‌های اطلاعاتی امنیتی مخفی پیچیده و پیچ‌درپیچ هم به دست ما نرسیده. البته چرا، اطلاع داریم از خیلی از خصوصیات، اما آنچه واضح میکند که این حرکت یک حرکت آمریکایی بود، فرمایشات خود آن رئیس‌جمهور ایالات متحده (۵) است؛ اولاً صریحاً خطاب به این اغتشاشگرها میگفت «مردم ایران»! حالا روز بیست و دوّم دی‌ماه چند میلیون آدم در تهران و در شهرستان‌ها جمع شدند، آنها مردم ایران نبودند، [اما] این چند هزار نفر مردم ایران بودند! به اینها میگفت «مردم ایران»، بعد هم گفت «بروید جلو، بروید جلو، من دارم می‌آیم!» (۶) پس فتنه، فتنه‌ی آمریکایی بود.

این مطلب را توجه داشته باشید که این فتنه، اولین فتنه‌ی پدیدآمده‌ی در تهران نبود، آخرینش هم نیست؛ بعد از این هم از این قضایا خواهیم داشت. اولین فتنه نبود، آخرین فتنه هم نخواهد بود؛ بعد از این هم از این قضایا ممکن است اتفاق بیفتد. بالاخره ما یک کشوری هستیم، یک فکر جدیدی داریم، یک راه جدیدی داریم، با منافع قلدراه‌های عالم در اصطکاکیم، در برخوردیم؛ همیشه باید منتظر بود. و حالا اینها تا کی ادامه پیدا میکند؟ تا آن وقتی که ملت ایران به جایی برسد که ثبات و استقامت و تسلطش بر امور، دشمن را مأیوس کند؛ که باید البته به اینجا برسیم، و میرسیم.

قبل از این فتنه هم این خیابانهای تهران شاهد جنایاتی بودند، شاهد حوادثی بودند؛ در سی‌ام خرداد سال ۶۰ منافقین در همین خیابانهای تهران با تیغ موکت‌بری به جان بسیجی‌ها افتاده بودند! ما از این قضایا زیاد دیده‌ایم؛ این اولی‌اش نبود، آخری‌اش هم نیست. انسان در همه‌ی این حوادث دست بیگانگان را مشاهده میکند؛ و به طور خاص در این حوادث، دست آمریکا را، دست رژیم صهیونیستی را مشاهده میکند.

البته در این فتنه‌ی اخیر و قبل از این در بقیه‌ی حوادث، مسئولین — مسئولین انتظامی، بسیج و

سؤالات و ابهامات

ایده‌ها و پیشنهادات

تکالیف فردی من

تکالیف تشکیلاتی من

نکات مهم

سپاه و دیگران که مسئولیت داشتند — کاملاً به مسئولیت خودشان عمل کردند، اما آن چیزی که آتش فتنه را زیر پایش خاکستر کرد، «مردم» بودند؛ هم این دفعه این جور بود، هم سال ۸۸ این جور بود، هم موارد دیگر این جوری بود. وقتی که مردم وارد میدان میشوند و تصمیم میگیرند، آتشها را خاموش میکنند، شعله‌ها را خاکستر میکنند. این اتفاقی بود که این دفعه هم افتاد؛ بعد از این هم به توفیق الهی اگر چنانچه حادثه‌ای برای کشور پیش بیاید، خدای متعال این مردم را مبعوث خواهد کرد برای مقابله‌ی با حوادث، و کار را مردم تمام خواهند کرد.

خب چند خصوصیت در این فتنه بود که من مایلیم این دو سه خصوصیت را عرض بکنم:

یکی اینکه اغتشاشگرها خودشان را پشت اعتراضات آرام مردم بازاری پنهان کردند؛ این یکی از خصوصیات بود. یعنی درواقع بازاری‌ها را سپر خودشان قرار دادند؛ مثل بعضی از افراد جنایتکار در بعضی از شهرها، در بعضی از جاهای دنیا که وقتی با نیروهای مهاجم مواجه میشوند، بچه‌ها و زنها و مانند اینها را جلو می‌نشانند، خودشان پشت آنها قرار میگیرند. فتنه‌گرها پشت سر بازاری‌ها پنهان شدند. بازاری‌ها اعتراض داشتند؛ در خیابان هم آمده بودند، بعضی‌شان دکانهایشان را هم بسته بودند — من آن دفعه در یک جلسه‌ای مثل همین جلسه گفتم که حرفشان هم حرف منطقی و درستی بود (۷) — اینها آمدند پشت آنها پنهان شدند، برای اینکه شناخته نشوند؛ لکن بازاری‌ها باهوش بودند، مطلب را فهمیدند؛ تا دیدند [این جریان] اغتشاشگر است، تا دیدند به جای حرکت آرام در خیابان به کلانتری حمله میکند، فهمیدند که این اغتشاشگر است، خودشان را جدا کردند، کنار رفتند و اینها را تنها گذاشتند.

یک خصوصیت دیگر اینکه این فتنه شبیه کودتا بود؛ یعنی بعضی‌ها هم در دنیا از این فتنه‌ای که اتفاق افتاد، تعبیر کردند به کودتا؛ گفتند در ایران کودتایی راه افتاد که البته سرکوب شد، اما کودتا بود. یعنی چه کودتا بود؟ یعنی هدف تخریب، مراکز حساس و مؤثر در اداره‌ی کشور بود. به پلیس حمله کردند، به مراکز سپاه حمله کردند، به بعضی از مراکز دولتی حمله کردند، به بانک‌ها حمله کردند؛ این از جهت مادی؛ به مساجد حمله کردند، به قرآن حمله کردند؛ این هم از جهت معنوی. آنچه کشور را اداره میکند اینها است؛ به اینها حمله کردند. این شد کودتا.

یک نکته‌ی دیگر که در مورد این فتنه وجود دارد و خوب است به آن توجه داشته باشید، این است که نقشه و طراحی این فتنه در خارج اتفاق افتاده بود، مربوط به داخل نبود. بله، یک عده داخلی این فتنه و اغتشاش را راه انداختند لکن نقشه را در خارج کشیده بودند. از خارج دستور داده میشد، یعنی اینها با خارج تماس داشتند، البته همین سردسته‌ها؛ سردسته‌ها تماس داشتند با خارج، آنها میگفتند حالا این کار را بکنید، حالا به فلان جا حمله کنید، حالا به فلان خیابان بروید؛ این چیزها را از خارج بهشان میگفتند و با استفاده‌ی از امکانات ماهواره و امثال اینها، اطلاعاتی به دست می‌آوردند و اینها را راهنمایی میکردند.

بنده از یک طریقی مطلع شدم که یک عنصر آمریکایی مؤثر در حکومت، به این طرف ایرانی‌اش گفته بود که در این قضیه‌ی اخیر که در ایران اتفاق افتاد، سازمان سیای آمریکا و سازمان موساد رژیم صهیون، همه‌ی امکانات خودشان را به صحنه آوردند؛ این را یک آمریکایی اعتراف کرد، گفت دو دستگاه جاسوسی فعال و معتبر، یعنی سیا و موساد، همه‌ی امکاناتشان را به میدان آوردند و در عین حال شکست خوردند. نقشه بیرون کشیده شده بود، از بیرون اداره میشد و دستور داده میشد.

یکی از خصوصیات دیگر این فتنه این بود که این سردسته‌های آموزش‌دیده موظف بودند کشته‌سازی کنند، کشته به وجود بیاورند. هیچ دشمنی ویژه‌ای هم با بعضی از افراد نداشتند اما باید کشته به وجود می‌آمد. لذا اینها به مراکز نظامی و انتظامی حمله‌ی مسلحانه میکردند، با سلاح شخصی پیشرفته حمله میکردند، برای اینکه از آن طرف هم عکس‌العمل نشان داده بشود و عده‌ای کشته بشوند. به این هم اکتفا نمیکردند؛ حتی همان پیاده‌نظامی را هم که خودشان با تبلیغات به میدان آورده بودند، از پشت سر میزدند؛ به بنده اطلاع دادند که بعضی از این مجروحین حادثه از پشت سر مورد حمله قرار گرفته‌اند؛ یعنی حتی به افراد خودشان هم رحم نمیکردند؛ چرا؟ برای اینکه عدد کشته‌ها برود بالا. متأسفانه موفق هم شدند. البته دشمن بیشتر از این کشته [میخواست]؛ آن قدر که میخواست نشد؛ [اما] ادعا میکند. خب از مثل اینها، دروغ گفتن این جور بی‌عید نیست؛ [تعداد کشته‌ها را] ده برابر و بیشتر از ده برابر معرفی میکنند.

سؤالات و ابهامات

ایده‌ها و پیشنهادات

تکالیف فردی من

تکالیف تشکیلاتی من

نکات مهم

هدف دشمن بر هم زدن امنیت کشور بود؛ [اینکه] در درجه‌ی اول امنیت کشور را به هم بزنند. وقتی امنیت نباشد، هیچ چیزی نیست. وقتی امنیت نباشد، تولید هم نیست، نان هم نیست، درس و بحث هم نیست، مدرسه هم نیست، تحقیقات هم نیست، علم هم نیست، پیشرفت هم نیست؛ همه‌ی اینها در سایه‌ی امنیت به وجود می‌آید. این کسانی که امنیت کشور را حفظ کردند، حق حیات به گردن ماها، به گردن همه‌ی مردم دارند. اگر بچه‌ی ما میتواند در خیابان به مدرسه برود، به خاطر امنیت است؛ [اگر] امنیت نباشد، بچه‌ی شما مدرسه هم نمیتواند برود؛ خودتان هم در دکان نمیتوانید بروید، به محل کار هم نمیتوانید بروید؛ آن جوانی که مشغول تحقیقات و مشغول پژوهش است، نمیتواند پژوهش بکند. میخواستند مردم را در مقابل نظام قرار بدهند، خوشبختانه مردم توی دهن اینها زدند و روز بیست و دوم دی، میلیونی بیرون آمدند، نشان دادند خودشان راه گفتند مردم ایران یعنی این؛ و علیه فتنه‌گر شعار دادند. مسئولین باید قدر این مردم را بدانند؛ واقعاً مسئولین کشور باید قدر این مردم را بدانند.

سؤالات و ابهامات

البته من این را هم عرض بکنم که این فتنه را — حالا شاید یا اتفاقی بوده یا محاسبه شده بوده؛ من این را نمیتوانم ادعا کنم — در وقتی انجام دادند که مسئولین کشور، مسئولین دولتی، رئیس‌جمهور (۸) و دیگران، در حال طزاحی یک بسته‌ی اقتصادی برای کشور هستند. نقشه‌ی اقتصادی کشور را دارند طزاحی میکنند، اقدام میکنند، عمل میکنند که وضع را بهتر کنند، پیش ببرند؛ در این وقت این فتنه را به وجود آوردند. حالا اینکه آیا تصادفی بوده یا حساب شده بوده، این را من نمیتوانم ادعا کنم.

یکی دیگر از خصوصیات این فتنه، خشونت بود؛ مثل داعش. داعش را چه کسی به وجود آورد؟ همین رئیس‌جمهور فعلی آمریکا در دوران انتخابات اولی‌اش صریحاً گفت که این داعش را ما به وجود آوردیم، آمریکایی‌ها به وجود آوردند، وزیر خارجه‌ی آمریکا به وجود آورد. خود آن وزیر خارجه هم که یک زنی بود، (۹) گفت و در خاطراتش نوشت که داعش را ما ایجاد کردیم، برای تصرف عراق و سوریه.

ایده‌ها و پیشنهادات

این داعش را هم اینها به وجود آوردند؛ این هم یک داعش دیگر است و کارهایش مثل کارهای او است. آن روز عرض کردم که داعش، افراد را نابود میکرد، سربه‌نیست میکرد با تهمت بی‌دینی، و اینها افراد را سربه‌نیست میکنند به خاطر دین‌دار بودن؛ فرقی‌شان فقط این است، و آلاً همان قشون است. اینها هم مثل داعش آدمها را آتش زدند! ببینید چقدر قساوت میخواهد، چقدر بی‌رحمی میخواهد که انسان زنده را آتش بزنند! آتش زدند، خراب کردند، سرها را بریدند! اینها هم همان کارهایی را که داعش میکرد انجام دادند. خشونت یکی از خصوصیات اینها بود. (۱۰)

خب حالا که این شعار را شما دادید و اسم آمریکا را آوردید، ما هم وارد بحث آمریکا بشویم. آخرین صحبت من راجع به آمریکا است. مسئله‌ی آمریکا و ایران چیست؟ در این تقابلی که وجود دارد و چهل و چند سال است ایران و آمریکا دشمنی دارند، مسئله چیست؟ به نظر من مسئله در دو کلمه خلاصه میشود؛ آن دو کلمه هم این است که آمریکا میخواهد ایران را ببلعد، ملت رشید ایران و جمهوری اسلامی مانع است. گفت رفتیم خواستگاری، همه چیز تمام شده، موضوع در دو کلمه باقی مانده: من میگویم ما دختر شما را میخواهیم، آنها میگویند غلط میکنید! (۱۱) حالا ملت ایران به طرف مقابل گفته غلط میکنی؛ یعنی جرم ملت ایران [این است]؛ دعوا سر این قضیه است.

تکالیف فردی من

ایران شما، کشور شما، جاذبه‌های زیادی دارد؛ نفت ایران جاذبه دارد، گاز ایران جاذبه دارد، معادن غنی ایران جاذبه دارد، موقعیت راهبردی و جغرافیایی ایران جاذبه دارد؛ خیلی خصوصیات دیگر هست. ایران یک کشوری است که یک قدرت زیاده‌طلب متجاوز، به طور طبیعی به چنین کشوری چشم طمع میدوزد؛ ایران یک چنین کشوری است. خب میخواهند این کشور را تصرف کنند، همچنان که قبلاً تصرف داشتند. حدود سی سال آمریکایی‌ها در ایران بودند، منابع دستشان بود، نفت دستشان بود، سیاست دستشان بود، امنیت دستشان بود، ارتباطات با دنیا دست آنها بود، همه چیز دست آنها بود؛ سی سال هر کاری دلشان خواست کردند؛ [حالا] دستشان قطع شده، میخواهند برگردند همان وضع زمان پهلوی را دوباره داشته باشند، ملت ایران هم محکم ایستاده، سینه سپر کرده و مانع است. دشمنی [به خاطر] این است، دعوا سر این است. بقیه‌ی حرفها [مثل] حقوق بشر و مانند اینها حرفهای مفتی است که آنها میزنند؛ مسئله، مسئله‌ی این است. او طمع دارد، ایران هم محکم ایستاده و محکم هم خواهد ایستاد، و به امید خدا طرف را از مودیگری و اذیت کردن مأیوس خواهد کرد.

تکالیف تشکیلاتی من

نکات مهم

این هم که می‌بینید گاهی صحبت جنگ میکنند که ما با فلان جور هوایما می‌آییم چنین میکنیم، جدید نیست؛ در گذشته هم آمریکایی‌ها بارها در حرفهای خودشان تهدید میکردند که «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است». «همه‌ی گزینه‌ها» یعنی از جمله گزینه‌ی جنگ؛ این را همیشه میگفتند دیگر: «همه‌ی گزینه‌ها روی میز است». حالا این آقا هم همین‌طور مرتباً ادعا میکند که بله، ما ناو آوردیم و کارهایی مانند این کردیم! به نظر من ملت ایران را از این چیزها نباید ترساند؛ ملت ایران تحت تأثیر این حرفها قرار نمیگیرد و از برخورد حق نمپهراسد. ما شروع کننده نیستیم، ما نمیخواهیم به کسی ظلم بکنیم، نمیخواهیم به کشوری حمله بکنیم، اما به آن کسی که طمع داشته باشد، بخواهد حمله بکند و ادیت بکند، ملت ایران مشت محکمی خواهد زد. البته این را هم آمریکایی‌ها بدانند که اگر این دفعه جنگی راه بیندازند، این جنگ، جنگ منطقه‌ای خواهد بود.

سؤالات و ابهامات

والسّلام علیکم و رحمۀالله و برکاته

۱) بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور (۵/۹/۱۴۰۳)

۲) اشاره به ساخت پهپاد لوکاس توسط آمریکا که از روی پهپاد شاهد ۱۳۶ ایران ساخته شده.

۳) بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (۲۷/۱۰/۱۴۰۴)

۴) انسانهای فرومایه و سرگردان. (برگرفته از نهج‌البلاغه، حکمت ۱۴۷)

۵) دونالد ترامپ

۶) خنده‌ی حضار

۷) بیانات در دیدار خانواده‌ی شهید سلیمانی و شهدای جنگ دوازده‌روزه‌ی تحمیلی در سالروز ولادت

امیرالمؤمنین (علیه السلام) (۱۳/۱۰/۱۴۰۴)

۸) آقای دکتر مسعود پزشکیان

۹) هیلاری کلینتون

۱۰) شعار «مرگ بر آمریکا»

۱۱) خنده‌ی حضار

ایده‌ها و پیشنهادات

تکالیف فردی من

تکالیف تشکیلاتی من